

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی

پایان‌نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد

رشته فلسفه آموزش و پرورش

عنوان:

بررسی و نقد مساله عقلانیت در پست مدرنیسم و نقد دلالت‌های آن در تعلیم و تربیت

استاد راهنما: دکتر ایراندخت فیاض

استاد مشاور: دکتر سید مهدی سجادی

استاد داور: دکتر حسین اسکندری

پژوهشگر: صفورا طاهری

سال تحصیلی ۸۸-۸۹

سپاس و قدردانی

خداوند بزرگ را سپاسگزارم که به من فرصتی عطا کرد تا بخشی از زندگی‌م را با انسان‌هایی فرهیخته سپری نمایم و از رهگذر این مصاحبت به بسط بینش مبتنی بر یادگیری‌ام یاری رسانم. بر خود لازم می‌دانم مراتب تقدیر و تشکر را از سه استاد عزیزم که این پایان‌نامه به مساعدت آن‌ها به انجام رسیده است به جا آورم:

استاد ارجمند خانم دکتر فیاض که راهنمایی پایان‌نامه را بر عهده داشتند و دقت نظر ایشان در مراحل مختلف پایان‌نامه باعث غنای کار گردیده است.

استاد ارجمند جناب آقای دکتر سجادی که مسئولیت مشاوره این پایان‌نامه را بر عهده گرفته و در تمامی مراحل تحقیق نگارنده را مرهون راهنمایی‌های عالمانه و لطف صبورانه خود قرار داده‌اند.

استاد محترم جناب آقای اسکندری که داوری این پژوهش را بر عهده داشتند به خاطر صرف وقت و دقت نظری که مبذول داشتند و با رهنمودهای ارزشمندشان بر غنای این پژوهش افزودند.

تقدیم به

اوکه درامر هدایت بندگان به قلم این ابزار رشد و تعالی بشریت قسم خورد.

ژرف ترین سپاس ها مخصوص خدایی است که هر چه دارم از اوست.

عمیق ترین تشکرات قلبی ام را تقدیم می کنم به :

پدر و مادر مهربانم که وجودشان برایم همه عشق بود و وجودم برایشان همه رنج. توانشان رفت تا به

توانایی برسم. وجودشان سپیدی گرفت تا روی سپید بمانم. آنان که فروغ نگاهشان، گرمی کلامشان و

روشنی رویشان سرمایه جاودانگی زندگی ام بوده است. در برابر وجود گرمی شان زانوی ادب بر زمین

می نهم و با دلی مالا مال از عشق و محبت بر دستشان بوسه می زنم. برادران و خواهرانم که مهرشان در

پس هر احساس من است و به همه کسانی که دوستشان دارم. و

تو ای آشنا که ورقی از آن را می گشایی.

یکی از مهمترین مباحثی که همه ی فلسفه های قدیم و جدید آن را مورد بحث قرار داده اند، مربوط به عقل است بررسی چگونگی درک کردن ونحوه ی کاربرد آن، وپی بردن به آنچه که حقیقتاً به ادراک انسانی در می آید از دغدغه های مهم فیلسوفان در هر عصر وزمانی بوده است. عقلانیت با تکامل فکر بشر در هر عصر و زمانی پاسخ های گوناگونی دریافت کرده است . چنانچه عقلانیت در دوره پست مدرن به گونه ای دیگر بیان می شود. در این دوره سازماندهی عقلی جامعه از اعتبار افتاده است چون عقل به گمان مدرن ها ذاتاً مدعی جهان گستری و فراگیری است. پست مدرن دو رویه ساختارگرایی و پدیدار شناسی مدرنیته، یعنی ابژه سازی و سوژه سازی را مورد انتقاد قرار می دهد. مطالعه تعلیم و تربیت پست مدرن همواره با مشکلاتی روبرو بوده است، از جمله به این دلیل که پست مدرنیسم واقعاً یک سیستم منسجم از عقاید ومفاهیم نیست. این پایان نامه در صدد است به بررسی ونقد مسأله عقلانیت در پست مدرنیسم ودلالاتهای آن در تعلیم و تربیت با استفاده از روش توصیفی بپردازد.

واژگان کلیدی:عقلانیت، پست مدرنیسم ، مدرنیسم، دلالتهای تربیتی

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات تحقیق

صفحه

۱-۱ مقدمه	۲
۱-۲ بیان مسئله	۳
۱-۳ اهمیت و ضرورت تحقیق	۶
۱-۴ اهداف تحقیق	۹
۱-۵ سؤال‌های تحقیق	۱۰
۱-۶ تعریف مفاهیم تحقیق	۱۰
فصل دوم: ادبیات تحقیق	
۲-۱-۱ مقدمه	۱۳
۲-۱-۲ مبانی نظری تحقیق	۱۶
۲-۱-۳ عقل از منظر متفکرین غربی	۱۶
۲-۱-۴ اصطلاحات مربوط به عقل	۱۷
۲-۱-۵ عقلانیت در یونان باستان	۱۸
۲-۱-۶ عقلانیت در قرون وسطی	۲۱
۲-۱-۷ عقلانیت در مدرنیسم	۲۸
۲-۷-۱-۱ عنوان عقلانیت ابزاری	۳۰
۲-۷-۱-۲ مدرنیسم در مقام عقلانیت ذاتی	۳۴
۲-۸-۱-۱ عقلانیت در پست مدرنیسم	۴۰
۲-۸-۱-۲ ویژگی‌های اندیشه پست مدرنیسم	۴۵
۲-۸-۱-۳ نقش عقل در طراحی پست مدرنیسم	۴۸
۲-۸-۱-۴ ویژگی‌های آموزش و پرورش در دوران مدرن	۵۲
۲-۸-۱-۵ آموزش و پرورش مدرن و انسان	۵۲

- ۲-۱-۸-۳-۲ آموزش و پرورش مدرن و جامعه..... ۵۴
- ۲-۱-۸-۴ پست مدرنیسم و تعلیم و تربیت..... ۵۵
- ۲-۲ پیشینه پژوهش..... ۶۰

فصل سوم: روش شناسی تحقیق

- ۳-۱ مقدمه..... ۷۱
- ۳-۲ نوع تحقیق..... ۷۱
- ۳-۳ روش تحقیق..... ۷۱
- ۳-۴ ابزار تحقیق..... ۷۲
- ۳-۵ روش تجزیه و تحلیل داده ها..... ۷۲

فصل چهارم: یافته های تحقیق

- ۴-۱ مقدمه..... ۷۴
- ۴-۱-۱ تعریف عقل از منظر پست مدرنیسم..... ۷۴
- ۴-۱-۱-۱ عقلانیت سنتها..... ۷۵
- ۴-۱-۱-۲ عقلانیت مدرنیسم و پست مدرنیسم..... ۷۷
- ۴-۱-۱-۳ مفهوم عقل در معرفت شناسی پست مدرنیسم..... ۸۱
- ۴-۱-۱-۴ رابطه عقل و انفعال..... ۸۳
- ۴-۱-۱-۵ رابطه عقل و انفعال از منظر پست مدرنها..... ۸۴
- ۴-۱-۱-۶ معنای عقل در اخلاق..... ۸۵
- ۴-۱-۱-۷ عقل در متافیزیک پست مدرن..... ۸۶
- ۴-۲ مبانی فلسفی عقلانیت پست مدرنیسم..... ۸۹
- ۴-۲-۱ مقدمه..... ۸۹
- ۴-۲-۲ نفی فراروایتها..... ۸۹

- ۳-۲-۴ انکار واقعیت..... ۹۱
- ۴-۲-۴ وانمود گری..... ۹۱
- ۵-۲-۴ شک اندیشی..... ۹۳
- ۶-۲-۴ کثرت گرایی..... ۹۴
- ۷-۲-۴ ساختار زدایی..... ۹۵
- ۸-۲-۴ پسا ساختار گرایی..... ۹۶
- ۹-۲-۴ شالوده شکنی..... ۹۸
- ۳-۴ نقدهای وارد بر عقلانیت پست مدرنیسم..... ۱۰۱
- ۱-۳-۴ انتقادات هابرماس بر عقلانیت پست مدرنیسم..... ۱۰۱
- ۲-۳-۴ نقد کلیت گرایی..... ۱۰۳
- ۳-۳-۴ نقد انکار واقعیت..... ۱۰۳
- ۴-۳-۴ نقد ساختار شکنی..... ۱۰۳
- ۵-۳-۴ شالوده شکنی از یک سو شالوده باوری از سوی دیگر..... ۱۰۴
- ۴-۴ دلالت‌های تربیتی عقلانیت پست مدرن..... ۱۰۵
- ۱-۴-۴ مقدمه..... ۱۰۵
- ۲-۴-۴ انسان از منظر پست مدرن..... ۱۰۶
- ۳-۴-۴ غیریت در انسان شناسی پست مدرن..... ۱۰۷
- ۴-۴-۴ مرگ مولف یا توجه به عقول متکثر..... ۱۰۸
- ۵-۴-۴ معلم پست مدرن..... ۱۰۹
- ۶-۴-۴ دانش آموز پست مدرن..... ۱۱۱

- ۷-۴-۴ ویژگی های مدرسه پست مدرن..... ۱۱۲
- ۸-۴-۴ فرایند یاددهی یادگیری بر اساس عقلانیت پست مدرنیسم..... ۱۱۴
- ۹-۴-۴ مدیریت در سازمان های آموزشی..... ۱۱۶
- ۱۰-۴-۴ ویژگی های تعلیم و تربیت بر اساس عقلانیت پست مدرن..... ۱۱۷
- ۱۱-۴-۴ ارتباط عقل با تعلیم و تربیت..... ۱۱۹
- ۱۲-۴-۴ اهداف تعلیم و تربیت..... ۱۱۹
- ۱۳-۴-۴ برنامه درسی..... ۱۲۲
- ۱۴-۴-۴ روشهای تدریس..... ۱۲۴
- ۱-۱۴-۴-۴ روش مبتنی بر ساختار زدایی..... ۱۲۴
- ۲-۱۴-۴-۴ روش انتقادی..... ۱۲۵
- ۳-۱۴-۴-۴ روش یادگیری نشات گرفته از یادگیرنده..... ۱۲۶
- ۴-۱۴-۴-۴ تعلیم و تربیت عادلانه..... ۱۲۷
- ۵-۴-۴ نقد های وارد بر دلالتهای تربیتی..... ۱۳۳
- ۱-۵-۴-۴ نقد..... ۱۳۳
- ۲-۵-۴-۴ جزئی نگری بیش از حد..... ۱۳۵
- ۳-۵-۴-۴ ارزش یکسان قائل شدن برای معلم ودانش آموز..... ۱۳۵
- ۴-۵-۴-۴ رد هر گونه شناخت..... ۱۳۶
- ۵-۵-۴-۴ نسبییت گرایی افراطی..... ۱۳۶
- ۶-۵-۴-۴ نفی تمام مرزبندی ها..... ۱۳۷
- ۷-۵-۴-۴ نداشتن ملاک روشن برای ارزشیابی..... ۱۳۸

۱۳۹.....۴-۵-۸ حمایت از محلی شدن.....

۱۳۹.....۴-۵-۹ توجه به دیگری.....

فصل پنجم بحث و نتیجه گیری

۱۴۱۵-۱ مقدمه.....

۱۴۱.....۵-۲ خلاصه و نتیجه گیری از سوال اول.....

۱۴۴.....۵-۳ خلاصه و نتیجه گیری از سوال دوم.....

۱۴۵.....۵-۴ خلاصه و نتیجه گیری از سوال سوم.....

۱۴۶۵-۵ خلاصه و نتیجه گیری از سوال چهارم.....

۱۴۸.....۵-۶ محدودیت های تحقیق.....

۱۴۸.....۵-۷ پیشنهادات کاربردی.....

۱۴۹.....۵-۸ پیشنهادات پژوهشی.....

فهرست جداول

۸۸.....۴-۱ جدول.....

۱۰۰.....۴-۲ جدول.....

۱۱۷.....۴-۳ جدول.....

۱۳۳.....۴-۴ جدول.....

۱۴۹.....۴-۵ جدول.....

فصل اول

کلیات تحقیق

توضیح مفهوم پست مدرنیسم طبیعتاً در گرو معنای مدرنیسم است مدرنیسم، جریانی است که در تاریخ غرب رخ داده و ریشه های آن به گذشته های دور به فیلسوفانی چون هگل، کانت، دکارت و جریان‌هایی چون انقلاب صنعتی و رنسانس باز می‌گردد. دوران مدرن را بر پایه ی ظهور عقلانیت خود اندیش و منفردی که در فلسفه ی دکارت به عنوان Subject (فاعل شناسا) مطرح است، اما از قبل جهان‌بینی انسان حول محور خداشناسی دور می‌زند متمایز می‌کند در نگرش مدرن یک جابجایی معرفتی بین خدا و انسان انجام گرفت و فلسفه ی سوژکتیویته^۱ محور مسائل معرفت شناختی جدیدی قرار گرفت که در حوزه های اجتماعی-فرهنگی و سیاسی نمودها ی تازه ای ظاهر کرد. منظور از عقل در دوره ی مدرن عقل متعارف است که متأثر از تحولات علمی - تجربی می‌باشد این عقل کلید همه ی مشکلات زندگی اجتماعی و خصوصی انسان محسوب می‌شود. انسان در این جهان هیچ مشکلی ندارد که حل آن از عقل سلیم و متعارف ساخته نباشد عقل ملاک و معیار همه امور دینی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که به نحوی با زندگی انسان ارتباط دارد. عقلانی شدن از دستاورد های مدرنیسم است به نظر ماکس وبر کلید درک مدرنیته عقلانی شدن است منظور او برخورد حسابگرانه با وجوه هرچه بیشتری از زندگی و پذیرش تدریجی این شیوه ی برخورد است (فراهانی، ۱۳۸۲ ص ۷).

در دو دهه ی اخیر مسئله ی پست مدرنیسم ذهن اندیشه گران بسیاری را در قلمرو وسیعی از علوم اجتماعی، فلسفه، هنر، ادبیات و سیاست به خود مشغول کرده است. دامنه ی این بحث حتی بر قلمرو فلسفه آموزش و پرورش نیز گسترش یافته و عمیقاً بر آن تاثیر گذاشته است درحالی که ویژگی بارز فلسفه آموزش و پرورش مدرن، با تکیه بر فلسفه روشنگری خرد محوری و تجربه گرایی بود، ساختار

^۱ - subjectivity

گرایی ، نسبی گرایی و عملگرایی از ویژگی های فلسفه ی پست مدرن محسوب می شوند(صفا حیدری ، ۱۳۸۰ص ۲۵).

برای پست مدرنیسم مسئله ی روابط انسانی یکسره با مسئله ی زبان درآمیخته است،چندان که لیوتار بر اساس تحلیل خود درباره ی دانش معاصر در استعاره ی «زبان چون یک بازی» می گوید «اگر خواسته باشیم روابط انسانی را درک کنیم،آنچه مورد نیاز است فقط وجود نظریه ای درباره ی ارتباط است بلکه نظریه ای درباره ی بازی های زبانی نیز هست که وجود یک بازی را همچون اصلی بنیادین می پذیرد. از نظر پست مدرن ها که در حیات اجتماعی گفتمان را جایگزین عقل کرده اند ،عقل چون تعاملی اجتماعی دیده می شود که توانایی های بالقوه ی آن را باید در اعمال ارتباطی انسان طی زندگی عادی و روزمره اش بالفعل ساخت گفتمان به همان اندازه یک فعالیتی عقلی است ،اقدامی اجتماعی محسوب می شود (آهنچیان،۱۳۸۲ص ۷۹).

۱-۲ بیان مسأله

یکی از مهم ترین مباحثی که همه فلسفه های قدیم و جدید آن را مورد بحث قرار داده اند ، مربوط به عقل است . بررسی چگونگی درک کردن ونحوه کاربرد آن وپی بردن به آنچه که حقیقتاً به ادراک انسانی در می آید از دغدغه های مهم فیلسوفان در هر عصر وزمانی بوده است .درک آنچه که پیرامون انسان است به قدری برای هر کس دارای اهمیت است که بررسی وتحقیق در خصوص آن پا به پای شناخت خود اشیاء به پیش رفته است. عقلانیت با تکامل فکر بشر در هر عصر وزمانی پاسخ های گوناگون دریافت کرده است. چنانچه عقلانیت در دوره پست مدرن به گونه ای دیگر بیان می شود. در دوران پست مدرن سازماندهی عقلی جامعه از اعتبار افتاده است چون عقل به گمان مدرن ها ذاتاً مدعی جهان گستری و فراگیری است وگرایش به مطلق باوری را در درون خود می پروراند متفکران پست مدرن خرد باوری

مدرن و همچنین ادعای جهان گستری آن را رد می کنند و معتقدند این ویژگی جهان گستری تفاوتها و تنوع هستی را از بین می برد. از دیدگاه پست مدرن می توان از تغییر صحبت کرد اما از پیشرفت خیر. دوران پست مدرن پایان مفهوم عدالت، پایان آرمانشهر، پایان تاریخ و در نتیجه پایان فلسفه و فراروایت هاست. پست مدرنیسم در واقع دوره نفی عقل انسانی است، دوره نفی عقلانیت و فرد مستقل، خود مختار و مطلق العنان می باشد «مرگ خود» یکی از مضامین و مفاهیم اساسی در فلسفه پست مدرن به شمار می رود که پیوند مستقیمی با بی عمقی و بی ژرفایی و مرگ مؤلف دارد. مرگ مؤلف به مرگ سوژه بر می گردد سوژه یکی از مفاهیم اساسی فلسفه کلاسیک است. سوژه یا به عبارتی مفهوم «خود» یا «من عقلانی رها از سلطه» یا همان «سوژه عقلانی دکارتی» توسط متفکران پست مدرن مورد حمله و انتقاد قرار گرفت. هایدگر پایان فلسفه را اعلام نمود و برای پست مدرنیست ها «سقوط خود» یا مرگ سوژه بخشی از مرگ فلسفه تلقی شد به علت این که هیچ سوژه یا فاعل شناساگر عقلانی وجود ندارد (نوذری، ۱۳۷۹، ص ۱۴).

در اینجا این مسأله پیش می آید که چگونه پست مدرنیستها از یکسو برای تدوین فلسفه پست مدرن تلاش می کنند و از سوی دیگر به پایان و مرگ فلسفه قائلند. برای توضیح پست مدرنیسم در برابر مدرنیسم گاه از واژه ناعقلانیت در برابر عقلانیت استفاده می شود، هر چند اندیشه های پست مدرنیسم در مقابل عقلانیت مدرن قرار می گیرد ولی در واقع خود یک شکل متفاوت از عقلانیت است. بنابراین برای نشان دادن تمایز فکری بین مدرنیسم و پست مدرنیسم می توان از واژگان عقلانیت مدرن در برابر عقلانیت پست مدرن استفاده کرد. در این صورت مدرنیسم و پست مدرنیسم دو شکل متفاوت عقلانیت را تشکیل می دهد که هر یک از این دو شکل با سامان فکری یک دوره تاریخی خاص سازگاری بیشتری دارد. برخی از اندیشه ورزان پست مدرنیست با رویکرد افراطی این سبک فکری را به نیهیلیسم و نسبت

گرایی مطلق پیوند می دهد، ولی تشخیص یک جریان اصلی یا مهم در اندیشه های پست مدرن با ساختار منطقی و عقلانی هر چند متفاوت با متافیزیک فلسفی سنتی و مدرن چندان مشکل نیست . در اندیشه پست مدرن یک جریان فکری یگانه وجود ندارد و بیشتر باید از پست مدرنیسم ها سخن گفت و شرایط گوناگونی نیز در تکوین و گسترش انواع اندیشه های پست مدرن مؤثر بوده اند پست مدرن دو رویه ساختار گرایی و پدیدار شناسی مدرنیته ، ابژه سازی و سوژه سازی را مورد انتقاد قرار می دهد. عقلانیت مدرن بر مبنای پیش فرضهای معینی قرار دارد که متفکران پست مدرن آن را واسازی و آشکار کرده اند. عقل مدرن مبتنی بر سوژه اندیشه دکارتی- هگلی است که به عنوان تنها شکل و شیوه عقلانیت مطرح می گردد نقد پست مدرن از عقلانیت را نه به عنوان نشانه ناعقلانیت بلکه به مثابه طرح صورت های متفاوتی از عقلانیت تلقی می کند و شیوه های پست مدرن را در شیوه مدرن آن تمایز می بخشد(قانعی راد، ۱۳۸۱، ص ۴۵).

مطالعه تعلیم و تربیت پست مدرن همواره با مشکلاتی روبرو بوده است، از جمله به این دلیل که پست مدرنیسم واقعاً یک سیستم منسجم از عقاید و مفاهیم نیست و لذا نمی توان آن را یک جنبش واحد تلقی کرد. از دید تاریخی تعلیم و تربیت همواره بیانگر فراروایت هایی بزرگ همچون آزادی ، عقلانیت و پیشرفت بوده است . در حالیکه تأکیدهای پست مدرن بیشتر روی موضوع هایی است که از گفتمان، زبان و ناخود آگاه شکل می گیرد و چون تعلیم و تربیت عمده تاً باروایت های بزرگ سازماندهی و نشر دانش مرتبط است، در این معنا با دیدگاهها و رویکرد های پست مدرن چالش دارد به تعبیری تعلیم و تربیت در واقع کودک مطیع روشنگری است و بر اساس فرضیات مشتق از تفکر روشنگری استوار است به طوری که به گفته لیوتار مدرنیسم با تعلیم و تربیت پیوند عمیقی یافته است . با توجه به نکات یاد شده

نمی توان انتظار گفتمان ثابت و مشخصی از تعلیم و تربیت پست مدرنیته داشت، اگر چه می توان از مجموعه آثار پست مدرن مضامین تربیتی را استخراج کرد (فراهانی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۵).

مسئله اساسی این است که فلسفه پست مدرن متضمن نفی هر گونه معنای ثابت و نفی هرگونه تناظر و همسویی و تطابق میان زبان و جهان است؛ یعنی نفی هرگونه واقعیت ثابت حقیقت مطلق، یا امر واقع عینی و ملموس به عنوان موضوعی برای کاوش و تحقیق. کلاً در این دوره یک نوع بدبینی معرفت شناختی و ضد عقل گرایی پدید می آید. طبیعی است که دوره ای که حقیقت مطلق وجود ندارد شناخت نیز امری جزئی می شود و تکثر گرایی و پلورالیسم حاکم می شود با تکثر گرایی مشکلاتی پیش می آید و منجر به هرج و مرج می شود. آموزش و پرورش در شرایط پست مدرن از سوی سرشار از رویاها و داستانهای خیال بر انگیزی است که در هر لحظه توسط هر یک از اعضای فرایند آموزشی سرشته می شود و از سوی اجتماع مورد استقبال قرار می گیرد و از سوی دیگر آمیخته با ابهام و دوگانه پنداری و خرد شدگی که کل های شناخته شده را به صورتی نا آشنا و غریب در هر لحظه در می آورد و چگونگی وحدت یافتن عملیات مختلفی که وجود آن در هر فرایندی ضروری است را زیر سؤال می برد. هر چند پنداشت چنان آموزش و پرورش به اندازه دست یابی و پیاده کردن آن دشوار نیست، اما گاهی باعث پیدا شدن سئوالهای فراوانی می شود که در مقایسه با نظام آموزشی مدرن خود به خود پدیدار می شود.

۱-۳ اهمیت و ضرورت تحقیق

قرن بیست و یکم قرن تکنولوژی، پیشرفت اطلاعات و دانش است. انسان با سئوالات و انتخاب های متعددی روبرو است. برای شناخت و تشخیص ثواب از نا ثواب نیازمند عقل و تفکر است در واقع عقل و پرورش آن یک نیاز محسوب می شود برای اینکه در مسیر صحیح قرار بگیرد نیازمند تلاش فردی و تلاش محققان است. ضرورت اطلاع رسانی در جهان امروز از بدیهیات است و عدم اطلاع کافی از

حوزه های مختلف فکری پیامد های نامطلوبی به دنبال دارد فلذا لازم است که بدون هیچ گونه تعصب و جهل ورزی به مطالعه تمام حوزه های اندیشه پردازیم تا نکات مطلوب و کاستی های هر کدام بیشتر آشکار شود . چگونگی مواجهه با دستاورد های قرن اخیر تمدن اروپایی که عمدتاً ذیل نام «مدرنیسم» آورده می شود و در حوزه های مختلف اجتماعی، فرهنگی و فکری گسترده شده است، مهمترین سؤالهای جامعه ما در یک قرن اخیر بوده است اینکه آیا باید اصول و سرمشق های مدرنیته را به تمامی پذیرفت و به کار بست و یا اینکه باید به بررسی و نقد آن پرداخت ؟ از چشم انداز فعلی جامعه ما هنوز ، مهمترین کنکاش و یا به عبارتی دیگر ، پر خواستار ترین آنها برخی نسبت با دستاورد های مدرنیسم است دستاوردهایی که روند شکل گیری و تکامل آنها چندین قرن به طول انجامیده است و در برهه های مختلف تاریخی آزموده و سنجیده شده اند . پیچیدگی از آنجا ناشی می شود که از دهه های پایانی قرن گذشته بدین سو ، مدرنیسم بویژه هسته فلسفی آن با بدیل هایی به پرسش گرفته شده است که مدعی عبور از مدرنیسم ونفی یا دست کم تعدیل آرمان ها و ارزش های آن هستند . باید توجه داشت که فلسفه پست مدرن تاکنون بیشترین تلاش خود را در انتقاد از ویژگی هایی به کار برده است که آنها را خصوصیات فلسفه مدرن خوانده است . پست مدرن به علت اینکه به واسازی و شالوده شکنی^۲ سنت ها ، روایت یگانه، عقل و علم مدرن می پردازد و سبک های فکری مدرن را ساختار شکنی می کند تا تضاد ها و ناهمگونی های درونی آنها را آشکار سازد دارای اهمیتی خاص است و موضوع تحقیقات و بررسی های گوناگونی قرار گرفته است .

(مردیها ، ۱۳۸۰، ص ۸۰).

^۲ - deconstruction

شاید مهمترین وسیله برای درک پروژه مدرن، آموزش و پرورش باشد. آموزش ها در سطوح مختلف، به ویژه آموزش حرفه ای و عالی، بر پایه پنداشت ها و باورهای مدرن از سویی و کارکردها و نهادهای آن از سویی دیگر بنا گذارده شد. تکاپو برای دست یافتن به آموزش هر چه بیشتر به معنی یافتن شغل مناسب، ارتقای موقعیت اقتصادی، و جایگاه بلند تر اجتماعی و در یک کلام رفاه و به زیستی انسان بود به عبارتی وسیله ای برای دست یابی و نتیجه بخشی همه وعده های مدرنیسم، که از سوی آموزش و پرورش بیمه می شد. در عقلانیت پست مدرن مسأله زبان و جنگ های زبانی چون جایگزینی برای اندیشه های ناب و چالش های عقلی مورد بررسی قرار می گیرد. بازی های زبانی جاذبه های زیادی برای فرایند آموزش ایجاد می کند و دانش آموزان و معلمان را با اشتغالات ذهنی آن درگیر می کند. فرد یک اتم اجتماعی نیست بلکه موجودی است محصول روابط اجتماعی، که از طریق قرار گرفتن در جریان اطلاعات تازه و داده های غنی، روابط رو به رشد خود را به پیش می برد. در همین رابطه هاست که مفهوم خود آفرینندگی از سوی پست مدرنها مطرح می شود خودی که دم به دم به آن سویی که فرد جهت می دهد در حرکت است این تجربه ها باید غنی تر و کامل تر شوند، تا فرد را شایسته زندگی در جامعه ای رو به پیچیدگی و تغییرات شتابنده بیشتر کند. در روابط انسانی دایر در مدارس پست مدرن، آیین های چند فرهنگی مورد توجه قرار می گیرد، دیدگاههای مخالف بررسی و تحلیل می شود و صداهای گوناگون به گوش می رسد (آهنچیان، ۱۳۸۲، ص ۱۴).

در جهان معاصر اعم از دینی، غیر دینی، اصول و مبانی پست مدرنیسم در حال گسترش است اگر چه این جریان ها از کشورهای غربی شروع شده، در بین متفکران و روشنفکران غربی نفوذ چشمگیری یافته و در قلمروهای مختلفی چون هنر، سیاست، ادبیات، مسائل اجتماعی و تعلیم و تربیت رسوخ کرده اما این موجب نمی شود که به دلیل غربی بودن، نیازی به بررسی آنها نباشد بلکه باید گفت چون پرتو پست

مدرن در نقاط مختلف پراکنده شده است و همه دنیا کم و زیاد ، عمیق یا سطحی با این دیدگاه ها آغشته شده اند، در نتیجه برای همه ما دست کم فکر کردن درباره این جریان ها ضروری است..رویکرد پست مدرن و به ویژه اندیشه لیوتار با نفی همه فرا روایت ها ی کلان در زمینه های سیاسی،دینی، اخلاقی،فلسفی،و اجتماعی بخش اعظم کارکردهای تعلیم و تربیت را مورد سؤال قرار می دهد، چرا که وظیفه تعلیم و تربیت علاوه بر انتقال دانش ها ومهارت ها شامل انتقال ، ترویج و بازسازی ارزش ها ونگرش ها نیز می شود . از آنجا که ارزش ها ونگرش ها عمدتاً در چارچوب روایتهای کلان بیان و ارائه شده اند ، در جوامعی که این روایت ها از اعتبار و ارزش بالایی برخوردارند، چالش های جدی میان پست مدرنیسم و تعلیم و تربیت در می گیرد. به عبارت دیگر از آنجا که تعلیم و تربیت مهمترین راه ارتباط با جهان ، کسب تجربه وفهم جهان وتلاش برای تغییرآن است وما را در خودشناسی وبرقراری ارتباط با دیگران کمک می کند ، از اینرو توجه به نقش رویکرد عقلانیت پست مدرن در رابطه با پیکره بندی مجدد نظریه ها وفعالتهای تربیتی از اهمیت بالایی برخوردار است لذا پژوهش حاضر به منظور تدارک مجموعه ای از اطلاعات دقیق و متداول در این زمینه انجام می پذیرد.

۱-۴ اهداف تحقیق

هدف کلی :

بررسی و نقد مسأله عقلانیت در پست مدرنیسم ونقد دلالت های آن در تعلیم و تربیت

هدف های جزئی:

۱-تبیین ماهیت عقل در پست مدرنیسم

۲-تبیین مبانی فلسفی عقلانیت در پست مدرنیسم

۳-تبیین دلالت های تربیتی عقلانیت پست مدرنیسم

۴- تبیین نقدهای وارد بر دلالت های تربیتی عقلانیت پست مدرنیسم

۱-۵ سؤال های تحقیق

۱- مفهوم عقل از منظر پست مدرن چگونه تعریف شده است؟

۲- مبانی فلسفی عقلانیت در پست مدرن کدامند؟

۳- چه دلالت های تربیتی از عقلانیت پست مدرن می توان استخراج کرد؟

۴- چه نقدهایی به دلالت های تربیتی متأثر از عقلانیت در پست مدرن وارد است؟

۱-۶ تعریف مفاهیم تحقیق

عقل:

غالباً از کلمه عقل دو مفهوم تقریباً جداگانه منظور می گردد:

۱- نیروی مستقلی که در مقابل سایر نیروهای روانی از قبیل تجسم ، تداعی ، معانی ، تصمیم ها و اندیشه ها و... در درون ما وجود دارد.

۲- ذهن که مواد خام را به وسیله حواس دریافته و فعالیت برای تنظیم آنها انجام می دهد این فعالیت ها همان عقل است . این نیرو یا این فعالیت غیر از هوش و تخیل است ، زیرا هوش عبارت است از قدرت کاوش در حوادث و روابط و نفوذ ذهن در اموری که معمولاً وبا نظریه مقتضیات طبیعی برای افراد معمولی و در شرایط عادی مخفی است . تخیل عبارت است از تصرف و حذف و انتخاب در مفاهیمی که حواس به قلمرو ذهن تحویل داده است بدون توجه به واقعیات . ولی فعالیت عقلی مانند وجدان اشکال گوناگونی دارد از قبیل انتزاع کلیات و تجرید خصوصیات از موجودات ، همچنین تطبیق اصول وقوانین طبیعی واجتماعی و سیاسی ودینی و اخلاقی به موارد خود (جعفری ، ۱۳۶۸ ، ص ۴). ابن سینا در